

سبک‌شناسی دعای مکارم الاخلاق

زهرا قاسم پیوندی^۱

سید محمد رضا ابن الرسول^۲

محمد خاقانی^۳

چکیده

در معارف شیعی، دعا یکی از مهم‌ترین متون شناخته شده است؛ چرا که پیونددهنده‌ای پویا بین خالق و مخلوق به شمار می‌آید و یکی از والاترین نمونه‌های نیایش، صحیفه سجادیه است. این دعاها محصول شرایط بعد از قیام عاشورا است. شرایط آن عصر به گونه‌ای بود که امام سجاد علیه السلام روش دیگری برای انتقال آموزه‌های خود پیش گیرد و دست به آفرینش هنری والایی بزد.

این که امام سجاد علیه السلام به منظور درک بهتر و تأثیر بیشتر این آموزه‌ها در ذهن مخاطب و مهم‌تر از آن، ماندگار شدن این معارف در طول تاریخ چه روشی را در پیش گرفت، از جمله مسائلی است که این مقاله در پی آن است.

بررسی سبک‌شناسی دعای «مکارم الاخلاق»، به عنوان نمونه‌ای از این کتاب شریف، ما را به لایه‌های پنهان و تأثیرگذار این سخن رهنمون می‌سازد. دقت در آواها و موسیقی به کار رفته در بندهای این دعا، گزینش اسلوب‌های نحوی و صرفی متناسب با غرض و هدف گوینده، مانند افعال تفضیل - که نشان دهنده کمال خواهی است - از امتیازات این دعا است. امام علیه السلام در محور جانشینی، دست به گزینش مفاهیم و واژه‌هایی زده که با محتوا هماهنگی کامل دارد؛ به طوری که جایگزین کردن واژه‌ای دیگر امکان‌پذیر نیست. مهم‌ترین ویژگی سبکی این دعا تکرار است که در

۱. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان.

۲. دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان.

۳. استاد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان.

قالب تکرار الفاظ، معانی و جملات پدیدار می‌شود. این مقاله به بازخوانی دعای «مکارم الاخلاق» از دریچه‌ای جدید می‌پردازد و آن را بر اساس روش تحلیلی توصیفی بررسی می‌کند تا نشان دهد که امام علیه السلام از همه عوامل موسیقایی، مانند سجع و جناس و تضاد، بهره گرفته تا به ماندگار شدن تعالیمش کمک کند؛ ضمن این که ساختار شکنی‌ها در حوزه صرف و نحو باعث شده که مخاطب، ناگهان با هنجار گریزی روبه‌رو شده، از درک این پدیده احساس لذت کند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، صحیفه سجادیه، امام سجاد علیه السلام، دعای مکارم الاخلاق.

مقدمه

سبک‌شناسی یکی از شاخه‌های ادبیات است که امروزه ادیبان بسیاری را به خود جذب کرده است. این دانش - که ریشه در بلاغت قدیم دارد - در قرن بیستم قوت گرفت و ادیبان و نقادان بسیاری به این رشته گرایش پیدا کردند. بسیاری از دانشمندان مسلمان نیز به متون دینی توجه کردند و این توجه باعث گسترش سبک‌شناسی در محیط‌های اسلامی شد. صحیفه سجادیه مجموعه‌ای از ادعیه است که به علت اهمیتش، به «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» و «اخذ القرآن» شهرت یافته است.

این میراث جاودان - که در قالب دعا عرضه شده است - در روزگار سلطه امویان، از زبان سید ساجدین، امام علی بن حسین علیه السلام صادر شده است. امام - که رسالت سنگینی بر عهده داشت - به مدد دعا و گفت و گوی با خداوند، روش تربیتی و تعلیمی خود را بیان نمود. مفاهیم این نیایش‌ها، همه جوانب زندگی مادی و معنوی انسان را در بر می‌گیرد و سرلوحه‌ای است برای ساختن زندگی آرمانی انسان‌ها.

سبک - که شیوه بیان در گفتار و نوشتار است - بر اساس تعریف شارل بالی^۴ (۱۸۶۵ - ۱۹۴۷م)، پایه‌گذار سبک‌شناسی در فرانسه، حاصل تأثیرات عاطفی هر فرد در زبان است.^۵ گیرو^۶ (۱۹۱۱ - ۱۹۸۳م) سبک را روشی برای بیان افکار به وسیله زبان می‌داند،^۷ و سبک‌شناسی علمی است که به تحلیل و بررسی عناصر سخن می‌پردازد تا تأثیر تفکر آدمی

4. Charles Bally.

۵. علم الأسلوب، ص ۳۰.

6. Pierre Guiraud.

۷. الأسلوبیة، ص ۱۰.

بر متن را مورد بازخوانی قرار دهد و به شاخص‌های سبک‌ساز هر فرد دست یابد؛ زیرا که خاستگاه هر سبک از درون پدیدار می‌گردد.

سبک و اسلوب این کتاب - که مانند هر متن دیگری حاصل نگاه نویسنده آن بر جهان درون و بیرون است - به شیوه خاصی از بیان تجلی می‌یابد. ما با بررسی هر اثر و عناصر سبک‌ساز آن می‌توانیم تصویری از صاحب اثر داشته باشیم و سبک و اسلوب خاص آن را از دیگران متمایز کنیم. عناصری مانند، موضوع سخن، اوضاع اجتماعی، عواطف و احساسات گوینده، مخاطب، و سیستم امکاناتی که هر زبان در اختیار فرد قرار می‌دهد، در ایجاد سبک‌های متفاوت، مؤثر است.

در عصر جدید، دانشمندان و ادیبان بسیاری به سبک‌شناسی متون نظم و نثر مختلف پرداخته‌اند که متون دینی و در رأس آنها، قرآن کریم، از منزلت و اهمیت ویژه‌ای در بین مسلمانان برخوردار است. بسیاری از محققان به سبک‌شناسی سوره‌های مختلف قرآن پرداخته‌اند؛ به طوری که پایان‌نامه‌های بسیاری در این زمینه نوشته شده، است. در این میان، می‌توان به «دراسة أسلوبية فی سورة كهف» از مروان محمد سعید عبد الرحمن، «سورة الإسراء، دراسة نحوية دلالية» از مجدی معزوز احمد حسین و «ظواهر أسلوبية و فنية فی سورة النحل» از اسامه عبد المالک ابراهیم عثمان اشاره کرد.

در این نوشتار، بر آن شدیم تا به بررسی سبک و اسلوب «دعای مکارم الاخلاق» - که بیستمین دعا از کتاب شریف صحیفه سجاده است - بپردازیم. بر این اساس، این دعا را در لایه‌های مختلف آوایی، صرفی، نحوی و معنایی، تحلیل و موشکافی می‌کنیم. امید داریم بتوانیم به گوشه‌ای از معارف بلند آن دست یابیم.

لایه آوایی

اولین گام برای آشنایی با هر دعایی بررسی موسیقی و آواهای آن است؛ زیرا آهنگ و موسیقی جزء جدایی‌ناپذیر و اثرگذار در نیایش به شمار می‌آید. هنگام سخن گفتن از موسیقی، اولین چیزی که به ذهن انسان خطور می‌کند، وزن و قافیه است؛ ولی این، همه آن چه که مربوط به موسیقی می‌شود، نیست. موسیقی متن می‌تواند از هماهنگی بین آواها و صامت‌ها و آهنگ و آه‌ها، ایجاد شود. این نوع موسیقی - که به موسیقی درونی متن شناخته می‌شود - در نثر نیز وجود دارد. هر متنی قابلیت موسیقی بیرونی و درونی و موسیقی پنهان را دارد.

۱. موسیقی بیرونی

هماهنگی آوایی که در بین عبارات دعا دیده می‌شود، در بیان رسالت دعا - که همان تحت تأثیر قرار دادن مخاطب است - بسیار مؤثر است. این موسیقی ظاهری - که شامل الفاظ هم قافیه و مسجع و قطعات هم وزن و بحرهای یک سان می‌شود - تأثیر بسیار زیادی بر مخاطب دارد.^۸

هنگامی که واژه‌ها با ترتیب خاصی در کنار یک دیگر قرار بگیرند، ضمن آهنگین کردن و زیبایی بخشیدن به جملات، ممکن است بعضی از بحرهای شعر را نیز تداعی کنند؛ به عنوان مثال، عبارت دعایی - ندایی «يَا أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ»^۹ - که در انتهای یکی از بندهای این دعا ذکر شده است - با دو تفعیله «مستفعلن فاعلن»، یادآور بحر بسیط^{۱۰} است. هم‌چنین، با دقت در بند بیست و دوم از دعای مکارم الاخلاق و تقطیع عبارت‌های آن، می‌توان به بحر مضارع^{۱۱} دست یافت. عبارت، این چنین است:

وَتَوَجِّنِي بِالْكَفَايَةِ، وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ، وَ هَبْ لِي صِدْقَ الْهُدَايَةِ.^{۱۲}
 و/تو/ج/نی/ب/د/ک/ف/ایه
 و/سم/نی/حس/ند/و/ل/ایه
 و/هب/لی/صد/قل/ه/د/ایه
 م/فا/عی/لن/فا/ع/ل/ایه

این قطعه دارای عناصر موسیقایی متعددی است؛ به طوری که قافیه‌های آن، یک قصیده عمودی را تداعی می‌کند و واژه‌های آن متوازن است و هر فقره با حرف «ها» پایان می‌پذیرد.

۲. موسیقی درونی

الف. تکرار

تکرار در ایجاد موسیقی درونی متن تأثیر بسزایی دارد. این تکرار - که شامل تکرار

۸. تحلیل آوایی در صحیفه سجاده، ص ۸۷.

۹. صحیفه سجاده، ص ۱۳۶.

۱۰. مستفعلن فاعلن / مستفعلن فاعلن / مستفعلن فاعلن / مستفعلن فاعلن

۱۱. مفاعیلن فاع لاتن / مفاعیلن فاع لاتن

۱۲. همان، سرم را به تاج بی نیازی بیوشان و مرا به نیکی در کارهایی که به آن قیام می‌نمایم وادار و راهنمایی حقیقی را به من ببخش (ترجمه و شرح صحیفه کامله سجاده، ص ۱۳۹).

جملات، واژه‌ها و یا حروف می‌شود. به ایجاد متنی آهنگین کمک می‌کند. آشکارترین جمله‌ای که در این دعا تکرار شده، درود بر پیامبر و خاندان گرامی ایشان است که در بیست جای دعا دیده می‌شود. واقع شدن این جمله در بندهای مختلف دعا به عنوان اصلی‌ترین عامل برای ایجاد تغییر در محتوا و آهنگ دعا به شمار می‌آید؛ ضمن این که روح استجاب را در به درون مخاطب می‌دمد؛ چنان که همراه کردن دعا با صلوات، یکی از سنت‌هایی است که از قول و عمل اهل بیت: به ما رسیده است و استجاب قطعی را به همراه دارد.^{۱۳}

از میان واژه‌ها، کلمه «اللَّهُمَّ» - که سی بار تکرار شده - بالاترین بسامد واژگانی را به خود اختصاص داده است. این واژه هماهنگی بیشتری نسبت به سایر اسلوب‌های خطاب با مضمون و روح نیایش را دارد و می‌توان علتش را در آواهای موجود در آن جست و جو کرد. واج‌های «لام» و «میم» - که به آواهای شبه مصوت معروف‌اند - دارای بعضی از ویژگی‌های مصوت‌ها هستند که بارزترین آنها شنیده شدن از دور دست است.^{۱۴} هم‌چنین، تشدید و مصوت «آ» هم دارای چنین خصوصیت و ویژگی هستند. گوینده چون به ضعف و ناتوانی خویش در مقابل خداوندگارش می‌نگرد و فاصله زیادی را احساس می‌کند، سر به سوی آسمان بلند کرده و ندای «اللهم» سر می‌دهد.

ویژگی یاد شده در باره مصوت‌های بلند، در کنار کشش و میزان مدتی که برای تلفظ این آوا لازم است و تقریباً دو برابر صامت‌ها و مصوت‌های کوتاه به طول می‌انجامد،^{۱۵} این آوا را متناسب با مقام دعا و نیایش قرار داده است؛ به طوری که در این دعا مصوت بلند «آ» با سیصد بار تکرار و «ای» با ۱۸۲ بار تکرار، بیش از مصوت‌ها و صامت‌های دیگر به چشم می‌خورند. ویژگی این حروف با مقام دعا و نیایش، سازگارتر است؛ زیرا کثرت حروف مدی باعث می‌شود که جملات به کندی و با تأخیر تلفظ گردد و مدت زمان بیشتری صرف شود. این، با حال کسی که مشغول نیایش است و با محبوب خویش صحبت می‌کند، متناسب است؛ زیرا برای چنین فردی دلپذیرتر آن است که صحبتش طولانی گردد؛ ضمن

۱۳. هرگاه از خدا حاجتی می‌خواهی، اول صلوات بر پیامبر بفرست و آن گاه حاجت خود را از خدا بخواه؛ زیرا خداوند تبارکت و تعالی بزرگوارتر از این است که کسی دو حاجت از او بخواهد و یکی را برآورد و دیگری را برنیاورد (وسائل الشیعة، ش ۱۱۳۸).

۱۴. آواشناسی زبان عربی، ص ۲۷.

۱۵. موسیقی در شعر حافظ ابراهیم، ص ۳۳.

این که آرامشی که در این مصوت‌ها هست، در مصوت‌های کوتاه وجود ندارد و «آ» توجه به ملکوت را القا می‌کند و «ای» توجه به خود را که هر دو در نیایش ضرورت دارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های آوایی، هماهنگی بین آوا و معنای آن است؛ زیرا میان ذهن و زبان یک رابطه ارگانیک لفظی و معنایی وجود دارد و متغیرهای زبانی نمودی از متغیرهای معنایی به شمار می‌آید.^{۱۶}

در آغازین کلام این نیایش امام چنین دعا می‌کند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَ
 أَنْتَهُ بَيْنِي إِلَى أَحْسَنِ الثِّيَابِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.^{۱۷}

واج‌های (ه، ا، ع، ح) از واج‌های حلقی است که دیواره حفره حلق، با انقباض خود و ایجاد تنگی در فضای حلق، باعث سایش و تولید این آواها می‌شود. این ویژگی دلالت بر آن دارد که این واج از خفایا و درون دل بیرون می‌آید و ارتباط عمیق و تنگاتنگی با ثبات ایمان و یقین دارند.^{۱۸} امام علیه السلام ایمان و یقینی می‌خواهد که تغییرات و پیشامدها در آن تأثیری نداشته باشد.

صامت‌ها هم با ویژگی‌هایی که دارند، بر مخاطب تأثیر می‌گذارند و معنای خاصی را القا می‌کند. صامت‌های «س» و «ز» - که به آواهای صغیر معروف‌اند - از برون‌گرایی برخوردارند؛ زیرا هنگام تلفظ، مخرج آنها دچار تنگی می‌شود و باعث می‌شود که بلرزد و با وضوح بیشتری ادا می‌شوند و باعث می‌شود که نظر دیگران به آنها جلب شود.^{۱۹} این خاصیت در عبارت «وَاسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي عَدَا عَنَّهُ، وَاسْتَفْرَعُ أَيَّامِي فِيَمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَ أَغْنِيَنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ»^{۲۰} بیشتر نمودار است؛ چرا که واژه‌های کلیدی این جملات در بردارنده این آواها است و دقت خواننده بیشتر به محتوا جلب می‌شود. هنگامی که سید الساجدین از خداوند آبرومندی و گشایش روزی را طلب می‌کند، می‌فرماید:

۱۶. تحلیل آوایی در صحیفه سجاده، ص ۷۹.

۱۷. صحیفه سجاده، ۱۳۳: پروردگارا به روان مقدس محمد و آل او درود فرست و ایمان مرا به کمال برسان و چنین کن که یقین من در مقام والاتری قرار گیرد و نیت مرا همواره با صلاح مقرون بفرمای.

۱۸. تحلیل آوایی در صحیفه سجاده، ص ۸۲.

۱۹. سبک‌شناسی سوره کهنف، ص ۱۸.

۲۰. وادار مرا به آنچه که فردا از آن سوال و بازپرسی می‌نمایی و روزهای مرا در آن چه که برای آنم آفریده ای صرف نما و مرا بی نیاز فرما و روزی مرا گشایش ده (ترجمه و شرح صحیفه کامله سجاده، ص ۱۳۰).

وَصُنَّ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ، فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ.^{۲۱}

در این عبارت، درواژه‌های «الْيَسَارِ، الْإِفْتَارِ، اسْتَرْزُقْ، رِزْقِ، شِرَارِ» حرف «ر» تکرار شده است. از ویژگی‌های این حرف، تکرارپذیری و واضح بودن آن است؛ ضمن این که این تکرارپذیری باعث کنندی تلفظ واژه نیز می‌شود و مفاهیمی چون قبض و کنندی، مناسب این حرف است.^{۲۲} این آوا با مفاهیم آورده شده، هماهنگی لازم را پیدا می‌کند.

در میان فصل‌های دعایی مکارم الاخلاق، فقط یک فصل آن با نون تأکید ثقیله تأکید شده است و آن، هنگامی است که حضرت سجاد علیه السلام دست به دعا برداشته و با اشاره به ظلم‌هایی که خلفای اموی در حق ایشان و پدران‌شان روا داشته‌اند، این چنین دعا می‌کند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمَكَّنْتَنِي هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسُعْيِي، وَلَا أَطْعِبَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجُدِي.^{۲۳}

این قسمت، با در برداشتن پنج نون تأکید ثقیله و حروف درشت و مفخمی مانند «ضاد، ط، ظا و قاف»، محکم و با قوت و شدت ادا شده و تأکید بیشتری در آن دیده می‌شود؛ زیرا نون تأکید ثقیله، به نوبه خود، نسبت به خفیفه از تأکید بیشتری برخوردار است و بر فخامت و اهمیت معنای افزایش می‌دهد.^{۲۴} ویژگی‌های یاد شده، در کنار تشدید، با معنای مقاومت در برابر ظلم و محکم بودن و شکست ناپذیری هماهنگی بیشتری پیدا کرده و مفهوم مورد نظر را بهتر می‌رساند.

از جایگاه‌هایی که آوارنگ و بویی از معنا به همراه دارد، آن هنگامی است که امام می‌فرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَتَّعِنِي بِالْإِقْتِصَادِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ، وَمِنْ أَدْلَةِ

۲۱. آبرویم را به توان‌گری حفظ نما و ارجمندیم را به تنگ‌دستی خوار مگردان که بدین جهت از روزی خوارانت روزی خواهم و از مردم پست عطا و بخشش طلبم (همان).
۲۲. الاسلوبية، ص ۲۶۲.

۲۳. بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و ستم دیده نشوم که تو بر جلوگیری از ستم به من توانایی، و نه من ستم نمایم که تو می‌توانی مرا باز داری و گمراه نشوم که راهنمایی تو به من آسان است و بی چیز و نیازمند نگردم که گشایش زندگی من از تو است و سرکشی ننمایم که توان‌گری من از تو است (ترجمه و شرح صحیفه کامله سجاده، ص ۱۳۶).

۲۴. معانی نحو، ص ۲۳۴.

الرَّشَادِ، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَأَرْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَسَلَامَةَ الْمِرْصَادِ.^{۲۵}

واج «د» از آواهای انفجاری و مجهور است و هنگامی که با ساکن همراه گردد، وضوحش دوچندان می‌شود؛ زیرا با شدت و قوت بیشتری ادا می‌شود. این ویژگی با امور سخت و مهم و روز قیامت ارتباط پیدا می‌کند.

ب. آرایه‌های بدیعی

هم‌آوایی و موسیقی درونی در متن، گاه زاییده سجع‌ها و جناس‌ها است که به نوبه خود در آهنگین کردن متن، اثر گذارند.^{۲۶}

هم‌آوایی گاهی به صورت سجع متوازی، مانند: «إِلَى، عَلَى / أَصْلَحَتْهَا، حَسَّنَتْهَا، أَنْمَمَتْهَا / خَاصَمَنِي، عَانَدَنِي، كَايَدَنِي / الصَّالِحِينَ، الْمُتَّقِينَ / الرَّشَادِ، الْعِبَادِ، الْمَعَادِ / وَشِعَى، وَجُدِي / وَفَدْتُ، فَصَدْتُ / أَرْزَى، أَمْثَلِي، أَحْيَا / السَّادِ، الرَّشَادِ، الْعِبَادِ، الْمَعَادِ / حَزِنْتُ، حُرْمْتُ، كَرِهْتُ / ذَرَاكَ، رِضَاكَ / لِأَهْدَاهَا، لِأَرْكَاهَا / الْكِفَايَةِ، الْوَلَايَةِ، الْهِدَايَةِ / السَّعَةِ، الدَّعَةِ / كَدًّا، رَدًّا، ضِدًّا، نِدًّا / السَّرْفِ، التَّلْفِ / اِكْتِسَابِ، اِحْتِسَابِ / أَطْلُبُ، أَرْهَبُ / عِبَادَةَ، زَهَادَةَ / أَجَلِي، أَمَلِي، سُبُلِي، عَمَلِي / الْعُقْلَةَ، الْمُهْلَةَ، سَهْلَةَ / قَبْلَهُ، بَعْدَهُ / رِزْقِكَ، خَلْقِكَ» و گاهی به صورت مطرف در این دعا دیده می‌شود؛ مانند: «التَّنْظِرِ الْكَبِيرِ / ظَلَمَنِي، خَاصَمَنِي / عَانَدَنِي، كَايَدَنِي، اضْطَهَدَنِي، تَوَعَّدَنِي، سَدَّدَنِي، أَرْشَدَنِي / الطَّاعَةَ، الْجَمَاعَةَ / الْبِدْعِ، الْمُخْتَرِعِ / اضْطَرَّرْتُ، افْتَقَرْتُ / وَفَدْتُ، فَصَدْتُ / اِسْتَقَمْتُ، وَثِقْتُ / الْاِفْتِصَادِ، السَّادِ، الرَّشَادِ، الْعِبَادِ، الْمَعَادِ / الْمِرْصَادِ / الْعَافِيَةَ، الْجِدَةَ / الرَّشَادِ، الْعِبَادِ، الْمَعَادِ، الْاِزْشَادِ / ذَرَاكَ، رِضَاكَ / الْكِفَايَةَ، الْوَلَايَةَ، الْهِدَايَةَ / السَّعَةِ، الدَّعَةِ / الْاِكْتِسَابِ، اِحْتِسَابِ / الطَّلَبِ، الْمَكْسَبِ / الْاِيسَارِ، الْاِقْتَارِ / اِسْتِعْمَالِ، اِجْمَالِ».

جناس - که شباهت دو کلمه در ادا و تفاوت آنها در معنا را شامل می‌شود -^{۲۷} نیز در ایجاد یک فضای آهنگین و زیبا و ایجاد هماهنگی آوایی بین عبارات‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند؛ جناس‌هایی مانند: «السَّعَةِ، الدَّعَةِ / كَدًّا، رَدًّا، ضِدًّا، نِدًّا / اِكْتِسَابِ، اِحْتِسَابِ / التَّمَنِّي، التَّنْظِي / أَجَلِي، أَمَلِي» که از نوع جناس لاحق است و جناس لفظی که در دو واژه «أَمَلِي، عَمَلِي» دیده می‌شود. دو جناس مردوف و اشتقاق هم در «الرَّشَادِ، الْاِزْشَادِ» وجود

۲۵. ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۱۳۷.

۲۶. سبک‌شناسی، ص ۱۵۳؛ موسیقی در شعر اجتماعی حافظ ابراهیم، ص ۳۱.

۲۷. جواهر البلاغه، ص ۳۴۳.

دارد.

۳. موسیقی پنهان

تضاد معنایی در ایجاد هماهنگی و موسیقی پنهان، مؤثر است. این موسیقی به طور مستقیم قابل درک نیست، بلکه پس از تأمل و ایجاد ارتباط تضاد بین واژه‌ها در درون درک شده و سپس بر حواس تأثیر می‌گذارد.^{۲۸}

تضادهای موجود در کلام حضرت زین العابدین بدین ترتیب است: «اشْتَصْلِحْ، فَسَدَ / تَزْفَعْنِي، حَطَطْتَنِي / نَاقِصَةً، أَتَمَّمْتُهَا / بَعْضَةَ، الْمَحَبَّةَ / ظَنَّةً، الثِّقَّةَ / عِدَاوَةَ، الْوَلَايَةَ / مَرَارَةَ، حَلَاوَةَ / خَوْفٍ، الْأَمْنَةَ / قُدْرَةَ، اضْطَهَّدَنِي / حَرَمَنِي، الْبَذْلَ / قَطَعَ، الصَّلَاةَ / الْحَسَنَةَ، السَّيِّئَةَ / بَاطِلٍ، حَاضِرٍ / أَضَلَّنَ، هِدَايَتِي / أَفْتَقَرَنَّ، وَشِعِي / أَمُوتُ، أَحْيَا / خُذْ، أَبْقِ / فَسَدَ، صَالِحٍ / الْبَلَاءِ، الْعَافِيَةِ / الصَّلَالِ، الرَّشَادِ / أَعْطَانِي، مَنَعَنِي / حَمْدِ، ذَمِّ / الدُّنْيَا، الْآخِرَةِ / الْيَسَارِ، الْإِفْتَارِ / مُجَامَعَةٍ، تَفَرَّقَ / مُفَارَقَةٍ، اجْتَمَعَ / صَمِّ، الْفُرْقَةِ / إِفْشَاءٍ، سَثْرِ»، هم‌چنین تقابل موجود در دو عبارت: «وَاسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاسْتِكْثَارَ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي» و نیز عبارت: «وَلَا تُحَدِّثْ لِي عَزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتُ لِي ذَلَّةً بَاطِنَةً» باعث ایجاد موسیقی و ایجاد رابطه بین این دو جمله می‌شود. استفاده از این سبک و اسلوب در به کار بردن واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌ها را زیباتر و دلپذیرتر و ماندگارتر کرده و باعث می‌شود که در ذهن خواننده تأثیرگذارتر باشد.

لایه صرفی

هنگامی که آواها در کنار یک دیگر قرار می‌گیرند، واحدهای بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهند که به آن واژه اطلاق می‌شود و در زبان شناسی جدید، به آن، ساخت شناسی یا ریخت شناسی می‌گویند.^{۲۹} سبک‌شناسی، به تحلیل ساختار واژه‌ها و وظایف آن در کلام می‌پردازد.

در این جا به نمونه‌هایی از آن در دعای مکارم الاخلاق اشاره می‌کنیم:
اسم فاعل با بیست و چهار مورد، بیشترین فراوانی را در بین مشتقات دارد. این واحد صرفی به دو صورت ثلاثی مجرد و یا از ثلاثی مزید در این دعا دیده می‌شود. بر این اساس،

۲۸. فی النقد الحدیث، ص ۱۰۶.

۲۹. علم اللسان العربی، ص ۴۸.

واژه‌های «ظَاهِرٌ، بَاطِنَةٌ، صَالِحٌ، غَائِبَةٌ، نَاقِصَةٌ، الظَّالِمِينَ، الصَّالِحِينَ، العَارِفَةَ، الرَّاحِمِينَ، القَادِرُ، غَائِبٌ، بَاطِلٌ، حَاضِرٌ، هَالِكَةٌ» از ثلاثی مجرد و «المُدَارِينِ، المَلَائِسِينَ، الْمُتَّقِينَ، مُطِيقٌ، مُصَلِّ، مُؤْمِنٌ، المُسْتَحَقُّ» از ثلاثی مزید ساخته شده است. اسم فاعل - که گاهی جایگزین فعل می‌شود - خالی از دلالت زمان است و معنای ثبات و استمرار را تداعی می‌کند؛ مانند واژه «القَادِرُ» که در عبارت «أَنْتَ القَادِرُ عَلَى القَبْضِ مِنِّي»^{۳۰} به کار رفته، معنای ثبوتی و دائمی دارد. هم‌چنین، امام با به کاربردن واژه «مُصَلِّ»، در عبارت «أَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ»^{۳۱} به جای فعل، آن درود پایدار را خواستار می‌شود.

پس از اسم فاعل، اسم تفضیل با هیجده واژه که در این دعا آمده، بیش از بقیه مشتقات به چشم می‌خورد. نحوه قرار گرفتن اسم‌های تفضیل نشان دهنده کمال خواهی و اشاره به برترین‌ها است، علاوه بر این، موسیقی و آهنگ یک نواختی را ایجاد می‌کند. بند اول این دعا، با دربر گرفتن چهار اسم تفضیل - که به صورت ترکیب‌های «أَكْمَلُ الإِيمَانِ، أَفْضَلُ اليَقِينِ، أَحْسَنُ النِّيَّاتِ، أَحْسَنُ الأَعْمَالِ» آمده - علاوه بر این که باعث ایجاد موسیقی منظمی در ابتدای دعا شده، با در نظر گرفتن عالی‌ترین مفاهیم، به کامل‌ترین برترین و سرآمد همه مکارم و فضائل اشاره می‌کند و تناسب لفظ و معنا به خوبی رعایت شده است.

از دیگر اسم‌های تفضیل به کار رفته شده، عبارت «أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ، أَوْسَعَ رِزْقِكَ، أَفْوَى قُوتِكَ، عَدَاوَةَ الأَذْنَانِ، خِذْلَانِ الأَقْرَبِينَ، الطَّرِيقَةَ المُثَلَّى، أَهْدَى، أَزْكَى، أَفْضَلَ، أَزْصَى» است. همه اسم‌های تفضیل به کار رفته شده در این دعا از ثلاثی مجرد ساخته شده، ولی سید علی خان، در ریاض السالکین، عبارت: «وَاسْتَعْمَلَنِي بِمَا هُوَ أَزْصَى»^{۳۲} را این گونه معنا کرده است:

مرا به کاری بگمار که بیشترین رضایت تو در آن است و یا به بزرگ‌ترین عمل مورد رضایت خودت مشغول کن.^{۳۳}

بر این اساس، «أَزْصَى» در معنای اول، از فعل مزید گرفته شده و هر چند سیبویه آن را

۳۰. ترجمه و شرح صحیفه کامله سجاده، ص ۱۳۶.

۳۱. همان، ۱۳۸.

۳۲. همان، ۱۳۶.

۳۳. ریاض السالکین، ج ۳، ص ۳۸۷.

جایز دانسته،^{۳۴} یک فراهنجاری از اصول معروف به شمار می‌آید و در معنای دوم، به معنای «مرضی» است که اسم مفعول است و در اصل، باید به معنای اسم فاعل باشد که جواز آن، واقع شدن در کلام فصیح‌ترین فرد در آن زمان، یعنی سید الساجدین علیه السلام است.^{۳۵} در پایان، باید متذکر شویم که کلمه «دنیا» - که مؤنث اسم تفضیل «ادنی» است - نیز در این دعا وارد شده که به علت کثرت استعمال، اسم علم برای جهان شده و معنای تفضیلی خود را از دست داده است.

در این دعای شریف، فقط دو اسم مفعول به کار رفته شده که هر دو از ثلاثی مزید ساخته شده‌اند: یکی آن جا که حضرت می‌فرماید:

وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرِعِ.^{۳۶}

مخترع به معنای ساخته شده است، و دوم، آن جا است که دست به دعا برداشته، می‌گوید:

[اللَّهُمَّ] أَنْتَ مُنْتَجِعِي إِنْ حُرِمْتُ.^{۳۷}

منتجع، اسم مفعول و به معنای کسی است که امید فضل و رحمت از آن داریم. هم‌چنین، اسم‌های مکانی که در کلام امام آمده، دو مورد است. امام زین العابدین علیه السلام در بندهای آغازین این دعا، تشبیهی را بیان می‌دارد که با آن، مقصود خود را بسیار زیبا بیان داشته، می‌فرماید:

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ.^{۳۸}

در این جا «مَرْتَع» اسم مکان است. در بند دیگری می‌فرماید:

ارزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ.^{۳۹}

۳۴. شرح الکافیة، ص ۲۱۳.

۳۵. ریاض السالکین، ص ۳۸۸.

۳۶. ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۱۳۵.

۳۷. همان، ص ۱۳۷.

۳۸. هر گاه عمرم چراگاه شیطان شود، بمیرانم؛ پیش از آن که دشمنی سخت تو بر من رو آورد (ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۱۳۱).

۳۹. رستگاری در قیامت و رهایی از دوزخ را روزیم فرما (همان، ص ۱۳۷).

«مِرْصَاد» مکانی است که در آن، جایی را زیر نظر می‌گیرند. این اسم مکان، از ریشه ثلاثی متعدی و برون «مفعال» ساخته می‌شود. لازم به ذکر است که «معاد»، در این جا، یا به معنای آخرت است که در این صورت، ظرف می‌شود و یا به معنای بازگشت که مصدر میمی است^{۴۰} و در هر دو صورت، اسم مکان نیست. همان گونه که مشاهده می‌شود، مشتقات در کنار اسم‌های ذات، سهم کمی را به خود اختصاص داده‌اند؛ چون اسم‌های ذاتی مانند «أنا و أنت» محور اصلی و رکن این دعا است و مشتقات، به استثنای افعال تفضیل، بیشتر برای توضیح صفتی از اسمای ذات است. به همین دلیل است که اسم زمان و صیغه مبالغه نیز در این دعا دیده نمی‌شود.

لایه نحوی

نحو به بررسی روابط هم‌نشینی بین واژه‌ها می‌پردازد؛ زیرا هر واژه جایگاه مشخصی در یک ترکیب دارد و بنا بر آن جایگاه رسالتی را ایفا می‌کند. در محور هم‌نشینی به بررسی انواع جملات، کوتاهی و بلند بودن آن، انواع فعل‌ها، جملات مجهول و حذف می‌پردازیم. به طور کلی، این دعا شامل دو بیست و پنج‌جاء و هشت جمله است که می‌توان آن را به دو دسته عمده خبری و انشایی تقسیم نمود.

جمله‌های خبری شامل یک صد و پانزده جمله می‌شود که سه جمله آن با فعل و دو جمله‌اش با حرف، نسخ شده است. جملات، کوتاه و هم‌اره دارای ضربی یک‌نواخت است و به سرعت می‌توان از آنها عبور کرد.

در این نوع عبارت‌ها، جمله‌های فعلیه‌ای که فعل آن ماضی است، با پنج‌جاء و یک مورد، بیشترین فراوانی را دارد؛ البته اکثر آنها به صورت صله به کار رفته‌اند و مقصود اصلی گوینده نیستند. افعال مضارع با چهل و چهار فعل، کمترین افعال هستند.

از میان فعل‌های یاد شده، تعدادی به دلایل مختلف مجهول آمده است؛ به عنوان نمونه، امام زین العابدین علیه السلام در عبارت: «اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحَتْهَا، وَلَا عَائِيَّةً أُوتِبَ بِهَا إِلَّا حَسَّنَتْهَا»^{۴۱} فاعل را حذف کرده؛ چرا که این که چه کسی گوینده را نکوهش و سرزنش می‌کرده، مهم نیست، بلکه مهم این بوده که عمل و رفتاری از او صادر

۴۰. ریاض السالکین، ج ۳، ص ۳۹۱.

۴۱. بار خدایا و امگذار مرا در خوبی که زشت می‌دانند جز آن که آن را اصلاح کنی، و نه خوی زشتی که به وسیله آن سرزنش شوم، جز آن که آن را نیکو گردانی (ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۱۳۱).

نشود که مستحق این نکوهش گردد. در بندی دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَفْتِنِّي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرُّتُ».^{۴۲} در این جا فعل «اضْطُرُّتُ» مجهول آورده شده که اگر معلوم آورده می‌شد، به علت تغییر در فاعل و مفعول سجع و هماهنگی موجود میان واژه‌های «اضْطُرُّتُ، افْتَقَرْتُ، رَهَبْتُ» از بین می‌رفت.

امام سجاد علیه السلام در قسمت دیگری از دعای خود، از خداوند درخواست می‌کند که بر او ظلم نشود، چون او است که توانا بر انجام هر کاری است:

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي.^{۴۳}

ایشان با آوردن فعل مجهول «لَا أَظْلَمَنَّ»، ضمن این که هماهنگی بین این فعل و افعال بعد از آن را - که فاعل آنها متکلم وحده است - حفظ کرده، از بیان فاعل، یعنی حاکمان ظالم و خلفای اموی که به خاندان پیامبر ظلم و ستم کردند، احتراز کرده است. امام با عدم بیان نام فاعلان، از سخت بودن شرایط و اوضاع خود و در تنگنا قرار داشتن خود و خانواده‌اش سخن به میان آورده است. به خاطر همین خفقان و محدودیت‌ها و فشارهایی که بر این خانواده روا می‌شد، ایشان دست به دعا بر می‌دارد و می‌گوید:

أَنْتَ مُنْتَجِعِي إِنْ حُرْمْتُ.^{۴۴}

در این جا باز به محدودیت‌ها و فشارهایی اشاره می‌کند که به ایشان وارد شده و می‌گوید:

در آن هنگام که محروم می‌شوم، تنها امیدم تویی.

هم چنین، مجهول آوردن فعل، موسیقی موجود میان واژه‌ها را حفظ کرده و سجع بین کلمات «حُرْمْتُ، حُرْمْتُ، كَرِهْتُ» باقی می‌ماند.

جمله‌های امام علیه السلام متناسب با اسلوب دعا، بیشتر به صورت انشایی است؛ زیرا این گونه جمله‌ها حالات تضرع و التماس و نیاز شدید انسان را به خدا بیان می‌کند؛ هر چند که جمله‌های خبری هم، خبری محض نیست.^{۴۵} جمله‌های انشایی در دعای مکارم الاخلاق شامل یک صد و چهل و سه جمله می‌شود و بیشترین تعداد آن، مربوط به فعل‌های امر با

۴۲. مرا چون بیچاره شوم به یاری خواستن از غیر خودت آزمایش مفرما (همان، ص ۱۳۵).

۴۳. همان، ص ۱۳۷.

۴۴. همان.

۴۵. فراهنجاری در صحیفه سجادیه، ص ۸۹.

نود و نه نمونه می‌شود. سی و یک اسلوب ندا و سیزده فعل نهی نیز از جمله‌های انشایی به شمار می‌آیند.

روی سخن امام سجاد علیه السلام، در افعال امر و نهی، خطاب به خداوند است. پس طبیعی است که معنای آن متناسب با مقتضای حال تغییر یافته و معنای دعایی به خود بگیرد.^{۴۶} کثرت فعل‌های امر و نهی در کنار فعل‌های مضارع نشان دهنده نگاه امام به آینده و تأثیر دعا در سرنوشت انسان است.

اسلوب ندایی جزء تفکیک ناپذیر هر دعایی است؛ چرا که گوینده در مقام سخن با خداوندگار خویش است. پس او را بلند مرتبه یافته، برای توجه آن بالادست به بنده حقیر فرودست، به دفعات او را مورد ندا قرا می‌دهد.

همه ندهای این دعا با واژه «اللهم» آمده، جز یک مورد که با «یا» قرین است. وجه تناسب آوایی این واژه با محتوای دعا در لایه آوایی شرح داده شد.

ضمیرها نقش مهمی را در صحیفه سجادیه ایفا می‌کنند؛ زیرا دارای دلالت‌های سبک‌شناسی متمایزی از لحاظ آوایی و معنایی هستند.

در این میان، دو ضمیر مخاطب و متکلم پرکاربردترین ضمیرها در این نیایش به شمار می‌آیند؛ به طوری که ضمیر متکلم، یک صد و چهل بار و ضمیر مخاطب، هفتاد و پنج بار در این دعا تکرار شده که تقریباً نیمی از ضمائر متکلم است و به این معنا است که سراسر این دعا بیان نیاز گوینده است؛ ضمن این که آوای این ضمیر با مفهوم نیایش متناسب زیادی دارد. ضمیر غایب - که در قالب بیست و پنج مورد ضمیر متصل مذکر، هفده مورد ضمیر متصل مؤنث و دو مورد ضمیر منفصل غایب است - در مجموع، چهل و چهار ضمیر غایب را شامل می‌شود.

نکته قابل ذکر در این مقطع این است که در زبان عربی همیشه مطابقت میان ضمیر و مرجع از جهت تذکیر و تأنیث وجود دارد، اما گاهی بنا بر یک اصل معنا شناسی این امر رعایت نمی‌شود و نوعی فراهنجاری به شمار می‌آید؛ مانند آن جا که امام می‌فرماید:

وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِرًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَدْتُ لِي ذَلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا.^{۴۷}

۴۶. شرح مختصر، ص ۲۱۰.

۴۷. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۴: بارالها، عزتی آشکار برایم به وجود نیاور، مگر آن که به همان اندازه مرا پیش نفسم خوار سازی.

در این جا «عزاً» در حقیقت، به معنای «منزلت و درجه» است و مرجع ضمیر «ها» قرار گرفته است که گونه‌ای از هنجارگریزی زبانی است.^{۴۸}

از اسلوب‌های مورد توجه در نحو، اسلوب حذف است که شامل حذف جمله، کلمه و حرف می‌شود. در بسیاری از جملات معطوف، فعل جمله قبل، حذف شده است؛ مانند: «أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ»^{۴۹} که واژه «أَبْدِلْنِي» در جمله دوم، به تبعیت جمله قبل حذف شده است. گاهی واژه حذف شده، حرف است و گاهی اسم؛ مانند:

وَالْيَسْنَى زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ ... وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ، وَالْإِفْصَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ.^{۵۰}

در این جا حرف «فی» و واژه «ترک» در عبارت آخر حذف شده است. گاهی حذف به صورت حذف فعل و تضمین معنا و اشاره به آن با آوردن حرف اضافه اختصاصی آن فعل صورت می‌پذیرد؛ مانند:

أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ.^{۵۱}

این امر باعث ایجاز و اشاره به معنای دو فعل است. در این جا «أَوْسِعْ»، با حرف اضافه «فی» متعدی شده است و متضمن معنای «بارک» است؛ یعنی روزی مرا پر برکت کن.^{۵۲} در بعضی از جملات نیز موصوف حذف شده است؛ مثلاً آن جا که حضرت زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

وَفَقِنِي لِتِي هِيَ أَزْكَى.^{۵۳}

در این عبارت، موصوف «أَزْكَى» حذف شده و در واقع بوده است: «وَفَقِنِي لِلْحَالَةِ أَوْ الْخَصْلَةِ أَوْ السَّيْرِ التِّي هِيَ أَزْكَى الْحَالَاتِ أَوْ الْخَصَالِ أَوْ السَّيْرِ». عدم بیان موصوف و حذف آن دلیلی است بر بزرگی و فخامت موصوف که با بیان آن، این برداشت میسر نبود و این

۴۸. فراهنجاری در صحیفه سجادیه، ص ۱۵۷.

۴۹. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۴: درباره من تغییر ده دشمنی سخت دشمنان را به دوستی و رشک بردن سرکشان از حق را به محبت.

۵۰. همان، ۱۳۵.

۵۱. همان، ۱۳۳.

۵۲. ریاض السالکین، ج ۳، ص ۳۱۱.

۵۳. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۶: و به روشی که پاکیزه‌ترین روش‌ها است، توفیقم ده.

حذف بلیغ‌تر و زیباتر است. هم‌چنین، حذف حرف در واژه‌هایی مانند: «أَجْرٍ لَا تَدْعُ، أُبَيِّ، صُنِّ، مُصَلِّ» دیده می‌شود.

لایه معنایی

لایه معنایی سطحی موازی با سطوح گذشته است که با ویژگی‌های آوایی و ساخت‌های جانشینی و همنشینی ارتباط پیدا می‌کند. این سطح به بررسی رابطه میان لفظ و معنا، و ساختار کلمه و مفهوم آن می‌پردازد تا ارزش سبک‌شناسی پدیده‌ها را نمایان سازد.

دلالت‌های معنایی از دو دیدگاه دلالت‌های ساده یا لغوی و دلالت‌های پیچیده یا بلاغی می‌تواند بررسی گردد.

ترادف معنایی یکی از دلالت‌های ساده است که مورد توجه دانشمندان زبان‌شناسی قرار می‌گیرد. واژه‌های مترادف باعث پربار شدن گنجینه لغات شده و گوینده را یاری می‌رساند. آن‌جا که بر حسب مقتضای کلام، نیاز به اطاله سخن است، از بیهوده‌گویی و به کار بردن واژه‌های همگون‌رهایی یافته، به تکرار معنای مقصود از دریچه واژه‌های جدید بپردازد.

ترادف در صحیفه سجادیه را می‌توان به دو نوع ترادف واژه‌ها و ترادف معنایی تقسیم کرد. از جمله نمونه‌های ترادف معنایی می‌توان به دعا‌های امام در طلب روزی اشاره کرد، ایشان می‌فرمایند:

أَغْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ.^{۵۴}

و در جای دیگری می‌گوید:

اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ.^{۵۵}

و در عبارت دیگری می‌فرماید:

حَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ.^{۵۶}

هم‌چنان که می‌گوید:

۵۴. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۳.

۵۵. همان، ۱۳۵.

۵۶. همان، ۱۲۷.

لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا.^{۵۷}

و

[وَأَمُنْ عَلَيَّ] قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْحِدَّةِ.^{۵۸}

و دوباره می فرماید:

وَ أَكْفِنِي مَثُونَةَ الْإِكْتِسَابِ، وَ أَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ.^{۵۹}

سپس از خداوند می خواهد که آبرویش را به واسطه بی نیازی از دیگران حفظ کند:

وَ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَ لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ.^{۶۰}

سؤالی که در این جا مطرح می شود، این است که چرا امام علیه السلام برای این دعا تکیه دارد؟ چه رابطه ای بین روزی و زیبایی اخلاقی وجود دارد؟ آیا طلب روزی جزء مکارم اخلاقی است؟ امام خود در پایان دعا جواب این سؤال ها را می دهد و می گوید:

فَلَا أَشْتَعِلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَ لَا أَخْتَمِلَ إِضْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ.^{۶۱}

و علت دیگر را این گونه بیان می کند:

فَأَسْتَرْزِقُ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ أَسْتَعِطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَفْتِنَنِي بِمَحْمَدٍ مِنْ أَعْطَانِي، وَ أُبْتَلَى بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِيِ الْإِعْطَاءِ وَ الْمُنْعِ.^{۶۲}

علت دیگرش را می توان در مقتضای کلام جست و جو کرد زیرا گوینده در مقام صحبت با محبوب است و برای طولانی شدن این مکالمه، تقاضای خود را به طرق مختلف بیان می دارد تا ضمن تأکید دعای خواسته شده، از این مکالمه لذت ببرد. سبک و شیوه نگارش هر فرد آن جا نمایان می شود که از بین عناصر سخن بتواند دست به گزینش زده و در انتخاب خود مختار باشد.^{۶۳} مترادف لفظی این امکان را برای فرد مهیا

۵۷. همان، ۱۳۷.

۵۸. همان.

۵۹. همان، ۱۳۸.

۶۰. همان.

۶۱. چنان کن که طلب روزی نظام عبادت ما را برهم نریزد و جان ما در طلب کسب روزی خستگی نپذیرد.

۶۲. همان: مرا به تنگ دستی گرفتار نساز تا از روزی خواران تو روزی بخواهم و دست حاجت به سوی مردم پست پیش برم و ناگزیر باشم لب به ثنای بندگان تو بگشایم یا مذمت منع کننده گان کنم؛ در حالی که تو سرچشمه بخشایشی.

۶۳. درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی، ص ۵۷.

می سازد تا ضمن گزینش واژه های متناسب با محتوای مقصود و یا همگون با آواهای متن، سبک متمایز از دیگران را ایجاد کند.

در هفتمین بند از دعای شریف مکارم الاخلاق می خوانیم:

أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْحَبِيَّةِ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةِ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَّةِ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ.^{۶۴}

در این بند، واژه های «مَحَبَّة، مَوَدَّة و وِلَايَةَ» و در مقابل آن، «عَدَاوَة و بَعْضَة» مترادف هستند، ولی زبان شناسان بین این واژه ها تفاوت های اندکی قایل هستند که باعث شده امام علیه السلام این الفاظ را در این جایگاه های متفاوت به کار برد.

آنها معتقدند عداوت به معنای فاصله گرفتن از یاری و کمک و ضد آن، ولایت است.^{۶۵} بغض نیز به معنای طلب حقارت و پستی است و نقیض آن محبت است که به معنای طلب بزرگی و اجلال است. پس این دو واژه، به درستی، مقابل هم قرار گرفته اند و واژه های مترادف به جای یک دیگر واقع نشده اند.

«محبت» هم به میل باطنی فرد و دوستی با دیگری است که از حکمت سرچشمه گرفته باشد؛ یعنی کسی را به دلیلی دوست داشتن، ولی «مودت» فقط به میل باطنی گفته می شود.^{۶۶} این محبت و دوستی به دلیل نیازی ندارد؛ همان طور که در قرآن درباره همسران آمده است:

«وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛^{۶۷}

بین شما عشق و محبتی قرار داد.

گاهی انتخاب یک واژه از بین چند واژه مترادف می تواند دلیل آوایی داشته باشد؛ برای نمونه، امام علیه السلام در بند هشتم می فرمایند:

هَبْ لِي مَكْرًا عَلَيَّ مَنْ كَايَدَنِي.^{۶۸}

«مکر» و «کید» به یک معنا است، ولی «کید» قوی تر از «مکر» و بار منفی اش بیشتر است.

۶۴. درباره من تغییرده دشمنی سخت دشمنان را به دوستی و رشک بردن سرکشان از حق را به محبت و بدگمانی نیکان را به اطمینان و دشمنی آشنایان را به دوستی (ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۱۳۲).

۶۵. الفروق فی اللغة، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۶۶. همان، ۱۱۶.

۶۷. سوره روم، آیه ۲۱.

۶۸. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۴؛ و به من درباره آن که حيله کند، مکر و فریبی ده.

در باره این که چرا مکر در مکان اسم و کید در مکان فعل واقع شده و صورت دیگری ندارد، باید گفت که انتخاب واژه مکر شاید به دلیل ایجاد هماهنگی بیشتر بین این واژه و کلمه «ظفر» است که در عبارت قبل آمده است. انتخاب فعل «کایدنی» هم دلیل آوایی دارد و برای حفظ موسیقی و آهنگ موجود میان این واژه و واژه قبلی، یعنی «عاندنی» است؛ زیرا اگر از ریشه «مکر» استفاده می‌شد، ضمن این که باب مفاعله این فعل، معنای مورد نظر را نمی‌رساند، اشکال دیگرش این بود که این فعل متعدی به نفسه نیست و با حرف اضافه «باء» متعدی می‌شود و هماهنگی و یک‌نواختی جملات از بین می‌رفت.

حضرت زین العابدین علیه السلام در بند دهم، از خداوند توفیق می‌طلبد که بتواند آتش فتنه را خاموش کند. در «إِظْفَاءِ النَّائِرَةِ»، «إِظْفَاءِ» به معنای خاموش کردن آتش است و «إِخْمَادِ» هم به همین معنا است، ولی «إِخْمَادِ» در باره آتش‌های بزرگ است و «اطفاء» در باره آتش کوچک و بزرگ.^{۶۹} حضرت علیه السلام با انتخاب واژه «اطفاء» این نکته را متذکر می‌گردد که خداوند توفیق از بین بردن هر فتنه‌ای را به او بدهد؛ چه بزرگ و چه کوچک.

امام سجاد علیه السلام در باره حالات درونی خود از خداوند درخواست می‌کند که وسوسه‌های شیطانی که به درونش راه پیدا می‌کند، تبدیل به یاد بزرگی خداوند و تفکر در قدرتش و تدبیر بر علیه دشمنانش شود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَ التَّطَلُّبِيِّ وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ.^{۷۰}

در این جا دو واژه «تفکر» و «تدبیر» به کار گرفته شده است؛ اولی، در باره قدرت خداوند و دومی، در باره دشمنان. فرق تفکر و تدبیر چیست؟ حقیقت تفکر این است که در باره امری که از آن آگاهی نداری، با مقدماتی که در اختیار داری، علم پیدا کنی.^{۷۱} هم‌چنین، تفکر، سیر باطن از مبادی به سوی مقاصد است.^{۷۲} نیز گفته شده که تفکر، دقت نظر در دلایل چیزی است؛ در حالی که تدبیر، دقت نظر در عواقب امری است.^{۷۳} هم‌چنین، تدبیر به مقام عمل منجر می‌شود ولی تفکر همیشه چنین نیست. پس حضرت در این عبارت، از

۶۹. الفروق فی اللغة، ص ۲۹۷.

۷۰. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۶.

۷۱. ریاض السالکین، ج ۳، ص ۳۷۰.

۷۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۹.

۷۳. الفروق فی اللغة، ص ۶۷؛ ریاض السالکین، ج ۳، ص ۳۷۲.

خداوند تفکر و دقت در دلایل و آثار قدرتش را می‌خواهد و دقت نظر در عواقب کار دشمنان.

حضرت امام سجاد علیه السلام در سه جمله از دعای شریف مکارم الاخلاق به پیشگاه الهی عرض می‌کند:

اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ، وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَى تَجَاوُزِكَ اسْتَقْتُ.^{۷۴}

او بدین گونه آمرزش و مغفرت می‌طلبد.

اشاره کردیم که امام علیه السلام در این دعا از معانی مشترک بسیاری استفاده کرده که این جا یکی از آن موارد است. با این حال، این سه جمله تفاوت‌هایی با هم دارند. «غفران» به معنای دور شدن عذاب و در مقابل، پاداش دادن است که فقط در باره خداوند و در باره خطاهای دنیوی و اخروی به کار می‌رود؛ ولی «عفو» گذشت نمودن از گناه و ترک مجازات آن است و در مقابل، ثوابی لحاظ نمی‌شود^{۷۵} و در باره اشتباهات دنیایی است. به همین خاطر، در باره بندگان هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۷۶}

در جمله سوم می‌گوید:

إِلَى تَجَاوُزِكَ اسْتَقْتُ.^{۷۷}

باید بگوییم که کلمه تجاوز، در قرآن کریم، به معنای گذشت حضرت باری تعالی از گناه است. در آیه شانزدهم سوره احقاف آمده است:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ تَتَّقِبُلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ».

امام در جمله اول، کلمه «مغفرت» را به کار برده و در جمله دوم، واژه «عفو» را آورده و در جمله سوم، از «تجاوز» نام برده است. روح سخن در هر سه کلمه درخواست بخشش از خداوند متعال است که به منظور ایجاد تنوع، آن را به طرق مختلف بیان می‌دارد.

سید الساجدین علیه السلام در بندهای پایانی دعای خویش می‌فرماید:

فَأْمُنُّ عَلَى قَبْلِ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ وَقَبْلِ الطَّلَبِ بِالْمَجْدَةِ.^{۷۸}

۷۴. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۶.

۷۵. شرح و تفسیر دعای مکارم اخلاق، ج ۲، ص ۴۰۷.

۷۶. الفروق فی اللغة، ص ۲۳۰؛ مقدمه تفسیر برهان، ص ۳۹۶.

۷۷. به گذشت تو آرزومندم (ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۱۳۶).

۷۸. همان، ۱۳۷، پیش از گرفتاری تندرستی و پیش از درخواست توآوری را به من احسان فرما.

امام از بین سه واژه «جده و غنی و یسار» - که مترادف هستند - در این جا از «جده» و در عبارت «صُنَّ وَجْهِي بِالْيَسَارِ»^{۷۹} از «یسار» استفاده کرده است. هر دو واژه، متناسب با آوا و معنایی که تداعی می‌کنند، انتخاب شده و در جایگاه مخصوص خود واقع شده‌اند. «جِدَّة» به بی‌نیازی و ثروتی گفته می‌شود که بعد از آن، فقر و تنگدستی نباشد.^{۸۰} این واژه، ضمن حفظ هماهنگی آوایی بین «عَافِيَةَ وَجِدَّة»، با دربرگرفتن مصوت‌های کوتاه، به سرعت و راحتی تلفظ می‌شود و با معنای خود تناسب دارد؛ در حالی که «یسار»، آن مقدار دارایی است که برای یک زندگی آبرومند مورد نیاز است^{۸۱} و ضمن هماهنگی آوایی با واژه‌های بعدی - که به واج «ر» ختم شده‌اند - به علت دربرداشتن مصوت بلند «الف» با سرعت کمتری ادا می‌شود و تداوم و استمرار را به همراه دارد. پس این توازن در معنا و آوا خواننده را یاری می‌رساند تا معنای مقصود را بهتر درک نماید.

سبک‌شناسی معنایی علاوه بر بررسی دلالت‌های ساده و لفظی، به چگونگی تغییر معنا و تعدد برداشت‌ها، در سایه تصویرگری و صورت‌های بلاغی می‌پردازد. تصویرگری با ایجاد عمیق‌ترین حالات وجدانی در فرد نقش تعیین‌کننده‌ای در دعا دارد. از جمله این تصویرگری‌ها، صورت ایجاد شده در قالب تشبیه است. از جمله این تشبیهات - که نوعی هنجار شکنی معنایی نیز در آن نمایان است - از سویی، تشبیه عمر به لباس کار و از سوی دیگر، به چراگاه شیطان است:

وَعَمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بِدُلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي
إِلَيْكَ.^{۸۲}

او در تصویر اول، عمری را که در راه اطاعت خدا سپری می‌شود، به لباس کار تشبیه کرده که در این راه پوسیده شده و پاره می‌گردد؛ یعنی همواره عمر خود را صرف اطاعت از خدا کنم. سپس از این معنا روی‌گردان شده، از خدا می‌طلبد که عمرش در راه پیروی از شیطان سپری نشود و می‌گوید اگر قرار است که عمر من چراگاه شیطان شود و او مانند حیوان، خودسرانه بچرد و مرا گمراه سازد، مرا به سوی خویش فراخوان. این دو تصویر

۷۹. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۸.

۸۰. ریاض السالکین، ص ۳۹۶؛ الفروق فی اللغة، ص ۱۶۹.

۸۱. الفروق فی اللغة، ص ۱۶۹.

۸۲. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۴: تا زمانی که عمرم مانند لباس کار در راه اطاعت تو استفاده می‌شود، به من عمر ده، و آن هنگام که چراگاه شیطان شد، مرا به سوی خود فراخوان.

حکایت از دقت در عمل و اطاعت دارد؛ زیرا عمری که در راه خدا صرف نشود، بی فایده است.

استعاره نیز جایگاه مهمی در تصویرگری دارد. گاهی این تصویر فنی با تضاد همراه می شود و شاهد استعاره متضاد هستیم؛ مانند سخن حضرت که می فرماید:

[اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْدِلْنِي مِنْ مَرَاةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ].^{۸۳}

در این تصویرسازی حسی استعاره سبب پیوند میان ترس و تلخی، و امنیت و شیرینی است که در اولی، ناگوار بودن و دردومی، گوارایی و لذت عامل پیوند است. این تصویر فنی به کمک تضاد میان واژه ها به صورت تقابلی استعاره ای دیده می شود.

امام هم چنین با به عاریت گرفتن واژه فارسی «تاج»، دست به استعاره ای دیگر می زند و می گوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَتَوَجِّنِي بِالْكَفَايَةِ.^{۸۴}

او برای بیان نهایت بزرگی و تکریم، به بالاترین نماد آن، یعنی تاج گذاری اشاره می کند. البته امام علیه السلام نه تاجی از جواهر، بلکه تاجی از لیاقت و شایستگی برای عبادت را طالب است.

نتیجه تمام این تصاویر فنی، برجسته سازی متن ادبی و جلب توجه ذهن مخاطب به موضوع دعا است؛ به گونه ای که برای درک موضوع به تلاش و تکاپو واداشته شود و از درک آن لذت ببرد.

نتیجه

سبک، تجلی خویشتن آدمی و جلوه گاه درون است^{۸۵} که حاصل نگرش نویسنده، گزینش واژه ها و عدول از هنجارها است.^{۸۶} موضوع و نوع مخاطب و شرایط اجتماعی نیز به فراخور خود، در تغییر سبک ها مؤثرند. صحیفه سجادیه - که تجلی گاه افکار و اندیشه ها و آموزه های حضرت زین العابدین علیه السلام است - در قالب دعا و نیایش ظهور یافته است.

۸۳. صحیفه سجادیه، ص ۱۳۵.

۸۴. همان، ص ۱۳۸.

۸۵. درآمدی بر سبک و سبک شناسی، ص ۱۹.

۸۶. سبک شناسی، ص ۱۴.

بررسی سبک‌شناسی دعای مکارم الاخلاق، به عنوان نمونه‌ای از این گفتار، در چهار لایه آوایی، صرفی، نحوی و معنایی گامی است در جهت آشنایی با این آموزه‌ها و معرفی این دعا. مهم‌ترین نتایج به دست آمده، در این پژوهش به شرح زیر است:

- پدیده هماهنگی در آواها - که نتیجه سجع‌ها و جناس‌های بسیار در این نیایش است - بر موسیقی درونی متن اثر گذاشته و باعث شده جملات و عبارات‌ها، به آسانی در ذهن خواننده جای گیرد و حفظ شود. این موضوع امری بسیار مهم در نشر و حفظ آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی و اخلاقی به شمار می‌رود.

- گزینش واژه‌های هماهنگ و هم‌نوا، راه‌کار دیگری برای انتقال این مفاهیم و ماندگار شدن آن است. هم‌چنین، توجه به مصوت‌های بلند در طول دعا، عامل دیگری برای قرار گرفتن در مقام دعا و نیایش است که ضمن مهیا ساختن فضایی آرام، باعث ایجاد حالت ندبه و دعا در خواننده می‌شود.

- یکی از عواملی که باعث تمایز صحیفه از دیگر متون مشابه شده، هنجارگریزی در اسلوب‌ها است. ایشان در حوزه نحو و صرف از هنجارهای زبان‌شناسی عبور کرده و پدیده‌ای جذاب خلق کرده است. ساختارشکنی در ساختن افعال تفضیل از مزید، و عدم مطابقت بین ضمیر و مرجع از جمله این فراهنجاری‌ها است که البته حفظ موسیقی موجود میان واژه‌ها و فرار از زیان عرف و ملالت حاصل از آن، می‌تواند از علت‌های آن باشد.

- این نیایش از لحاظ نحوی هماهنگی بسیار زیادی با موضوع و محتوای دعا دارد؛ زیرا این نیایش - که در مقام درخواست و طلب است - بیشتر از جمله‌های فعلیه - که اکثر آنها فعل امر است - ساخته شده است که حکایت از نگاه به آینده دارد. ضماینه به کاررفته نیز بیشتر متکلم وحده و سپس ضمیر مخاطب است.

- اوج زیبایی این گفتار در تصاویر فنی آن است که پا را از زبان عادی فراتر نهاده، دست به برجسته‌سازی ادبی می‌زند و تصاویری را برای انسان ترسیم می‌کند و ذهن، با برخورد با آنها این تصاویر را واقعی می‌پندارد و از درک آن لذت می‌برد.

- حضرت امام سجاد علیه السلام در زمینه معنایی، به جای استفاده از جملات بلند - که همواره در نیایش‌ها مورد توجه است - از جملات کوتاه، ولی هم معنا استفاده می‌کند. تکرار مضمون‌های واحد، از دو دیدگاه مترادف لفظی و معنایی، از ویژگی‌های سبک این امام است. هم‌چنین، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخصه‌های سبک امام زین العابدین،

درود بر پیامبر و خانواده عظیم الشان ایشان، قبل و بعد از هر بند از دعا است که فاصل آوایی و معنایی به شمار می آید و از مهم ترین عوامل در استجاب دعا نزد شیعیان است.

- گزینش واژه های متناسب با معنای مورد نظر، همراه با حفظ موسیقی موجود، از امتیازات شاخص و قابل توجه در لایه معنایی در این دعا است. مجموعه این عوامل، و در رأس آنها، مفاهیم و معارف بلند آورده شده در این نیایش، راز ماندگاری این دعا شریف است.

کتابنامه

- آواشناسی زبان عربی، انیس ابراهیم، ترجمه: ابوالفضل علامی میانجی، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۴ ش.
- الأسلوبیة، پیر گیرو، ترجمه: منذر عیاشی، حلب: دار الحاسوب للطباعة، دوم، ۱۹۹۴ م.
- الأسلوبیة، الرؤیة والتطبیق، یوسف أبو العدوس، اردن: دار المسیرة، ۲۰۱۰ م.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۶ ش.
- ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، سید علینقی فیض الاسلام، بی جا: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۲ ش.
- جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع، سید احمد هاشمی، بی جا: مؤسسه الصادق للطباعة والنشر، ۱۳۷۹ ش.
- درآمدی بر سبک و سبک شناسی در ادبیات، محمد عبادیان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، سید علی خان مدنی. قم: النشر الاسلامی. بی تا.
- سبک شناسی، سیروس شمیسا، بی جا: انتشارات پیام نور، ۱۳۷۲ ش.
- شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- شرح الکافیة فی النحو، رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی، هامش: سید شریف جرجانی. بی جا: المكتبة المرتضویة للحیاء والآثار الجعفریة، بی تا.
- شرح المختصر، سعد الدین تفتازانی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۸۳ ش.
- صحیفه سجادیه، امام سجاد علیه السلام، ترجمه: ابوالحسن شعرانی. قم: انتشارات اشکذر، ۱۳۸۹ ش.

- علم الأسلوب، صلاح فضل، بیروت: دار الكتاب المصری و دار الكتاب اللبنانی، اول، ۲۰۰۷م.
- علم اللسان العربی؛ فقه اللغة العربیة، عبد الکریم مجاهد، عمان: دار اسامة، ۲۰۰۵م.
- الفروق فی اللغة، ابوهلال عسکری، بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۱۹۷۳م.
- فی النقد الحدیث، محمد مصطفی هدارة، بی جا، بی نا، ۱۹۹۰م.
- معانی النحو، صالح سامرایی، عمان: دارالفکر، ۲۰۰۹م.
- مقدمه تفسیر البرهان، ابوالحسن بن محمد طاهر عاملی، بیروت: مؤسسة الأعلمی المطبوعات، ۲۰۰۶م.
- وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶م.
- «تحلیل آوایی در صحیفه سجادیه؛ با تأکید بر دعای استعاذه»، آفرین زارع و دیگران، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، سال چهل و پنجم، شماره یکم، ۱۳۹۱ش، ص ۷۱ - ۹۱.
- «فراهنجاری در صحیفه سجادیه؛ برجسته سازی در سطح آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی»، عباس گنجعلی و دیگران، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، سال چهل و ششم، شماره دوم، ۱۳۹۲ش، ص ۱۴۵ - ۱۶۲.
- «الموسیقی فی الشعر الاجتماعی عند حافظ ابراهیم»، ابراهیم زارعی فر، مجلة الجمعية العلمیة الایرانیة للغة العربیة و آدابها، عدد ۷، ۲۰۰۷م، ص ۲۳ - ۳۹.